

# رابطه تصور باز بودن ساختاری باگرایش به گروه‌های

مرجع غیر بومی:

## مقایسه‌ای بین محیط‌های واقعی و مجازی

دکتر اردشیر انتظاری\*

دکتر محمدحسین پناهی\*\*

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۸۷/۳/۵

### چکیده

گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، از موضوعات مهمی است که همواره مورد توجه جامعه شناسان و روان‌شناسان قرار داشته است. این مقاله بر مبنای پژوهشی است که طی آن تلاش شده است بر اساس نظریه گروه مرجع مرتن، رابطه متغیر «تصور باز بودن ساختاری» با گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، بررسی شود. این پژوهش با راهبرد پیمایش مقایسه‌ای مجازی - واقعی در دو جامعه آماری واقعی (دانشجویان) و

---

\* عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی  
\*\* عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

مجازی (اعضای گروه‌های ایرانی یاهو) و با استفاده از پرسشنامه چابی و الکترونیکی برا جمع‌آوری اطلاعات، اجرا شده است. نتایج نشان می‌دهد که گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در محیط مجازی، به نحو قابل توجه و معناداری بیشتر از محیط واقعی است. تصور باز بودن ساختاری با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در هر دو محیط واقعی و مجازی، رابطه معکوس دارد. کاربری اینترنت فارسی در محیط واقعی با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی، رابطه معکوس، ولی در محیط مجازی، رابطه مستقیم ضعیفی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** گروه‌های مرجع غیر بومی، محیط مجازی، محیط واقعی

## طرح مسأله

گرایش به گروه‌های مرجع<sup>(۱)</sup> غیر بومی، از موضوعات مهمی است که تحت عناوین مختلف، مورد توجه متفکران، برنامه‌ریزان و رهبران فکری و سیاسی ایران قرار گرفته و نگرانی‌هایی را برانگیخته است. هم‌نوایی و هماهنگی نسل جوان با هنجارها و ارزش‌های نسل پیشین، همواره مورد علاقه و توجه اندیشمندان و مردم بوده است. ادبیات کهن فارسی، مملو از دستورات تربیتی و اخلاقی متعدد و گوناگونی است که برای تربیت فرزندان و آشنایی آن‌ها با معیارهای «خوب بودن» تدوین شده است. بسیاری از مریبان به نقش اسوه‌ها و الگوها در تربیت، تأکید بسیار داشته‌اند. به طور کلی، در نگاه و توصیه‌های مریبان، دو رویکرد تربیتی قابل مشاهده است. نخست، تبعیت از ارزش‌ها و معیارهای تربیتی مورد توجه جامعه و بزرگسالان و دوم، التزام به الگوها و اسوه‌های پیشرو برای درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه. از آن‌جا که سنین کودکی تا نوجوانی، دوران جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت است، وضعیت تربیتی و الگو برداری این قشر همواره مورد توجه نسل قبل برای تداوم فرهنگ و نهادهای جامعه بوده و نگرانی از بابت انحراف نسل جدید از شیوه زندگی مقبول و جاافتاده، وجود داشته است.

به حضور گسترده جوانان در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی و در دوره جنگ هشت

ساله و به دست گرفتن مدیریت‌های جامعه در دوره پس از انقلاب از یک سو، و رشد فزاینده جمعیت کشور در دهه‌های گذشته و افزایش جمعیت جوان از سوی دیگر، حساسیت مسئولان را نسبت به وضعیت آنان دو چندان کرده است. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۳۵/۴ درصد از جمعیت کل کشور را افراد ۱۵ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند. این نسبت، حاکی از افزایش ناشی از رشد مولید اوایل دهه شصت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)<sup>(۱)</sup>

حال پس از گذشت نزدیک به سه دهه از انقلاب اسلامی، همه دست‌اندرکاران و متولیان انقلاب، نگران آن هستند که نسل‌های بعدی تا چه اندازه با آنان در ادامه نسل گذشته هماهنگی دارند. افزون بر این، مطالب منتشر شده‌ای که عمدتاً بر مبنای پژوهش‌های نه چندان معتبر در این زمینه قرار دارند، بر وجود شکاف و گسست بین نسل جدید و قدیم تأکید نموده‌اند که این امر به نوبه خود، بر حساسیت موضوع افزوده است. البته بخشی از این نگرانی، ناشی از تضعیف قدرت‌های ملی در کنترل فرهنگ بومی است. در شرایط کنونی جهان و با توجه به گسترش فرایندهای جهانی به خصوص در امور سیاسی، دولت‌های ملی دیگر آن قدرت و اقتدار گذشته را ندارند (Zum & Walter, 2005: 6).

از سوی دیگر، تلاش گسترده برای تسطیح ارزشی و هنجاری و رفع موانع سلطه با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید، و هدف قرار دادن نسل جوان در کشورهای جهان سوم، بالاخص ایران، حساسیت متولیان فرهنگی کشورهای نظیر ایران را که ناسازگار با این جریانهای جهانی تعریف شده‌اند، بیشتر کرده است. افزون بر این، رشد فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات و دسترسی آسان جوانان به امکاناتی مانند اینترنت و ماهواره در جامعه‌ای مذهبی و مسبوق به فرهنگی با سابقه چند هزار ساله و نیز دسترسی راحت جوانان به فضاهای مجازی با امکان گمنامی و حرکت به سمت نظام مناسبات جدیدی که مانوئل کاستلز از آن به عنوان «جامعه اطلاعاتی» یاد می‌کند، نگران‌کننده است. بر اساس آمار ارائه شده از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در سال ۲۰۰۵، ۱۶/۶ درصد از مردم ایران، کاربر اینترنت بوده‌اند<sup>(۲)</sup> به نظر می‌رسد این رقم تاکنون به بیش از ۲۰ درصد رسیده

1- [http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/census85/census85\\_natayej](http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/census85/census85_natayej)

2- <http://www.dci.ir/stat.htm>

باشد.<sup>(۱)</sup> مردم ایران به سرعت در حال گسترش دسترسی و کاربری خود از اینترنت هستند. در حال حاضر، وبلاگ نویسی به زبان فارسی در رتبه چهارم جهان قرار دارد<sup>(۲)</sup> که با سرعت زیادی نیز در حال افزایش است. در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا بین ۶۵ تا ۷۵ درصد مردم، کاربر اینترنت هستند (Internet World Stats, n. d.) ایرانیان این گونه دور خیز کرده‌اند که سطح کاربری خود را به این میزان و یا بیشتر افزایش دهند. همه این عوامل شرایطی را فراهم آورده است تا جوانان برخوردار از آن بتوانند علی‌الظاهر با آزادی بیشتری به دور از کنترل‌های بومی و شاید بیشتر تحت کنترل‌های نامحسوس غیر بومی به رفتارها و گرایش‌هایی متفاوت در مقایسه با محیط واقعی بپردازند.

در نهایت، بهره‌مندی از رسانه نوین اینترنت از این جهت اهمیت دارد که امکان زیستن در محیط مجازی را فراهم کرده است. در حال حاضر، در گروه‌های اجتماعی مختلف، هستند کسانی که زمان بسیار زیادی از زندگی خود را به کار، تفریح، اطلاع‌رسانی و خبرگیری و لگردی (وب‌گردی) در محیط اینترنت اختصاص می‌دهند. هر چند فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید، بسیار گسترده‌اند و اینترنت یکی از آن‌هاست؛ لکن به نظر می‌رسد اینترنت در شکل‌گیری محیط مجازی، نقش محوری داشته باشد. تردیدی نیست انواع مناسبات جدید در پناه این فناوری‌ها در حال شکل‌گیری است و این، کار جامعه‌شناسان است که تحولات موجود را زیر نظر داشته و از آینده پیش رو تصور نسبتاً روشنی داشته باشند.

در چنین شرایطی است که از یک سو به دلیل پدیداری انقلاب اسلامی، بسیاری از زمینه‌ها و مناسبات سنتی، مورد تقویت و بعضاً مورد تهدید قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، به دلیل فضای رسانه‌ای مورد حمایت قدرتهای جهانی، عوامل تبلیغاتی منتسب به فرهنگ‌های غربی، تحت عنوان فرهنگ جهانی، به تعلقات بومی حمله ور گشته‌اند و زمینه‌های به وجود آمده تحت تأثیر گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب شده است که ماهیت مناسبات یک سو به ملی و جهانی، به سمت مناسبات چند سو به و بهره‌مندی از سامانه‌های تک رسانه‌ای و توده‌ای، به سمت سامانه‌های چند رسانه‌ای سوق یابد. در چنین شرایطی،

1- [http://en.wikipedia.org/wiki/Economy\\_of\\_Iran#\\_note-](http://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_Iran#_note-)

2- <http://www.timesonline.co.uk/tol/comment/article390484.ecc>

گرایش به گروه‌های مرجع بومی و غیربومی، وضعیت پیچیده‌ای به خود می‌گیرد و موضوع گرایش به انواع گروه‌های مرجع در زمینه‌های مختلف، اهمیت فوق‌العاده می‌یابد؛ چرا که اختلالات در گروه‌های مرجع، الگوها و قهرمانان مردم می‌تواند موجب شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های ناهمگون و نامتناسب با جامعه بومی شود. این اختلالات در پژوهش‌های به عمل آمده در مورد الگوها و قهرمانان نوجوانان و جوانان، به شکل برجسته‌ای دیده شده است (منطقی ۱۳۷۲؛ منطقی ۱۳۷۶؛ میر ابوالقاسمی ۱۳۵۵ به نقل از: یادگار زاده ۱۳۷۸؛ گیلیک ۱۳۷۶).

در شرایط عادی و طبیعی در هر جامعه‌ای، گروه‌های مرجع مردم، همان گروه‌های عضویتی آن‌ها هستند، ولی در شرایط غیر عادی، گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی افزایش می‌یابد. اکنون در ایران، همزمان با گرایش به گروه‌های مرجع بومی (عضویتی و غیر عضویتی) گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی نیز وجود دارد که می‌توان این وضع را ناشی از تعارض در گرایش‌های گروه مرجعی دانست. مسأله آن است که این گروه‌های مرجع بومی غیر عضویتی، از یک سو در طبقات اقتصادی بالای جامعه قرار دارند و از سویی دیگر از نظر سبک زندگی، مدرن تر یا غربی تر هستند.

پرسش اصلی ما در تحقیق حاضر این است که تحت تأثیر چه عواملی، مردم گروه مرجعی غیر از گروه‌های عضویتی خود بر می‌گزینند؟ به بیان دیگر، چه عواملی موجب می‌شود مردم به گروه‌های مرجع غیربومی گرایش پیدا کنند، در حالی که علی‌القاعده می‌باید گروه‌های مرجع خود را از گروه‌های عضویتی و بومی برگزینند؟ در این جا است که چند پرسش اساسی مطرح می‌شود: چرا شخص، گروه مرجع خود را از گروه‌های غیر عضویتی غیر بومی برگزیند؟، تأسی به گروه‌های مرجع بومی و غیربومی، تا چه اندازه تحت تأثیر تصور افراد از باز یا بسته بودن ساختارهای اجتماعی قرار دارد؟ تا چه اندازه گرایش به گروه‌های مرجع مختلف در محیط‌های واقعی و مجازی، متفاوت است و اصولاً آیا تفاوت معناداری بین رفتار مردم در محیط مجازی و واقعی، وجود دارد؟

## مبانی و چارچوب نظری

مفهوم گروه مرجع به منزله یکی از ابزارهای روش شناختی برای تعامل با موقعیت‌های

ذهنی فرد به وجود آمد. در واقع، اگر چه مسئله گروه مرجع را رفتار فرد به وجود می‌آورد؛ لکن پژوهشگر در امر شناسایی و تبیین آن، به موقعیت‌های ذهنی رجوع می‌کند. از این رو، در نظریه گروه مرجع تلاش شده است مدلی نظری طراحی شود تا از طریق آن بتوان نظامی ذهنی را که مبنای چنین رفتارهایی قرار می‌گیرد شناسایی کرد. در واقع، این مدل مفهومی به ما کمک می‌کند تا ضمن کشف مناسبات میان افراد و گروه‌ها به این امر پی ببریم که چگونه فرد بر اساس تصویری که از دیگران دارد، به ارزیابی خود می‌پردازد خودشناسی<sup>(۱)</sup> که با مفهوم هویت قرابت دارد، یکی دیگر از این ابزارها است که مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است (Lipset, 194: 1988). پیش‌تر، این موضوع در مناسبات روزمره و در قالب گروه‌های عضویتی توسط مید (Mead, 1934) و کولی (Cooley, 1902) به خوبی توضیح داده شده بود، لکن بعداً توسط روان‌شناسان اجتماعی و بعد جامعه‌شناسان، پرورانده شد.

از نظر مرتن «نظریه گروه مرجع نظریه‌ای است با برد متوسط و در کل قصد دارد عوامل تعیین‌کننده و نتایج آن دسته فرایندهای ارزیابی و خودسنجی که طی آن فرد ارزش‌ها و معیارهای افراد و گروه‌های دیگر را به منزله چارچوبهای مقایسه‌ای مرجع بر می‌گزیند نظام‌مند نماید» (Merton, 1968: 288). بنابراین نظام‌مند سازی عوامل و پیامدهای آن دسته فرایندهای ارزیابی و خودسنجی که طی آن فرد ارزش‌ها یا معیارهای دیگر افراد و گروه‌ها را به عنوان چارچوب ارجاعی تطبیقی انتخاب می‌کند در دستور کار این نظریه است (Merton, 1968: 355-6). نظام‌مند سازی مفاهیم از طریق برقراری مناسبات منطقی میان متغیرها در دستور کار هر نظریه و نظریه پردازی قرار دارد. آن چه در این نظریه از اهمیت برخوردار است، تبیین فرایندهای ارزیابی و خودسنجی است. در واقع، محور نظریه گروه مرجع از دیدگاه مرتن، ارزیابی از خود و دیگران است، نه نگرش‌ها و رفتارها. نظریه گروه مرجع در پی آن است که روشن کند چگونه به ارزیابی خود و دیگران می‌پردازیم؟ این ارزیابی‌ها را بر اساس کدام معیارها انجام می‌دهیم و از همه مهم‌تر این که این معیارها را از کجا آورده‌ایم؟ این معیارها چگونه دستخوش تغییر و تحول می‌شوند؟ بنابراین، نظریه گروه مرجع در پی آن است تا در درجه اول به تبیین نابه‌سامانی‌های موجود در زمینه‌گزینش گروه مرجع بپردازد. هر چند

عینیت‌گرایی و عدم تعهد به ارزش‌های اجتماعی، آن را به سمت یک نظریه جامع سوق داده‌است تا اصولاً کلیه ساز و کارهای رفتار گروه مرجع را بیان کند، ولی حل مسئله، اولین انگیزه دستیابی به چنین نظریه‌ای بوده‌است.

نظریه گروه مرجع مرتن، بر عوامل ساختاری و اجتماعی کردن با توجه به شرایط محیطی و به خصوص زمینه اجتماعی، تأکید دارد. از نظر وی، باز و بسته بودن ساختارهای اجتماعی و تغییرات ساختاری، زمینه اجتماعی خاصی را فراهم می‌کند که انواع گرایش‌های عضویتی و غیر عضویتی از آن سر بر می‌آورد. وی در لحاظ نمودن جنبه‌های اجتماعی کردن نیز تلاش کرده است تا هر دو جریان فکری پارسونزی و میدی را در نظر گیرد و رابطه فرد با انواع گروه‌ها را در قالب چنین مناسباتی پیش‌بینی کند. به همین دلیل، از سطح نظری جدیدی تحت عنوان نظریه برد متوسط<sup>(۱)</sup> یاد می‌کند که نظریه گروه مرجع به عنوان اولین مصداق آن مطرح شده است. در این پژوهش تلاش شده است علاوه بر رویکرد ساختاری مرتن، از طریق تأکید بر جنبه‌های ادراکی باز و بسته بودن ساختاری، رویکرد کنش متقابل نیز مورد توجه قرار گیرد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت گروه مرجع، یکی از مفاهیمی است که در کنار سایر مفاهیم برای تبیین منابع تولید نگرش و رفتار و به کارگیری معیارهای خود سنجی و دگر سنجی به کار می‌رود. این مفهوم از آن رو اهمیت دارد که ساز و کارهای رابطه فرد با گروه‌های اجتماعی مشخص می‌کند. نظریه گروه مرجع نیز به دلیل تلاش برای کشف همانندی‌ها و اهتمام در شناسایی الگوی مناسبات اجتماعی به عنوان نظریه‌ای جامع شناختی، نفوذ ساختارهای اجتماعی را بر گرایش‌های رفتاری فرد، مورد بررسی قرار می‌دهد (Merton, 1968: 359). در این پژوهش، گروه مرجع عبارت است از گروه، جمع، رده اجتماعی و یا شخص (به عنوان نماد یک گرایش یا گروه اجتماعی) که فرد در بعضی یا در همه عرصه‌های حیات اجتماعی، آن را معیار قضاوت خود قرار داده، یا از آن تبعیت می‌کند. این تبعیت، در ارتباط با سبک زندگی، نگرش‌ها و معیارهای لازم برای سنجش خود و دیگران است. بنابراین، مفهوم گروه در گروه مرجع، به صورت مجازی به کار برده شده است و در واقع اعم از فرد و یا گروه مرجع را در بر می‌گیرد. گروه مرجع غیربومی که در مقابل گروه مرجع بومی قرار دارد، به فرد، گروه، رده

اجتماعی و یا جمعی اتلاق می‌شود که دارای ملیت و یا تبار غیر ایرانی باشد. در واقع، چنانچه فردی، معیارهایی را غیر از آن چه در عرصه ملی و محلی او عرف است برگزیند و بر اساس آن‌ها به ارزیابی خود و دیگران پردازد یا این که الگویی غیر از گروه‌ها و شخصیت‌های بومی (قومی و ملی) را برای همانند سازی انتخاب نماید، به گروه مرجع غیر بومی تمایل دارد. گرایش به گروه مرجع عبارت است از تمایل و کشش فرد به گروه یا فردی که از نظر او مهم تلقی می‌شود و فرد میل دارد از سبک زندگی، نگرش‌ها و معیارهای آن، برای سنجش خود و دیگران تبعیت کند.

عوامل گوناگونی در نظریه گروه مرجع مورد توجه قرار گرفته‌اند. باز و بسته بودن ساختاری، تغییرات ساختاری، ناهماهنگی و مشروعیت پایگاهی و گرایش برای کسب پایگاه، اجتماعی کردن، مجاورت و امثال این‌ها از جمله متغیرهای تبیین کننده گرایش‌های گروه مرجع به شمار می‌روند. در این مقاله، بر مفهوم تصور باز بودن ساختاری و اجتماعی کردن و مجاورت از طریق اینترنت، متمرکز شده‌ایم تا موضوع گروه مرجع را با استفاده از این مفاهیم، مورد بررسی قرار دهیم.

یکی از عوامل ساختاری مهم در مبانی نظری مرتن در مورد گروه مرجع، میزان باز یا بسته بودن ساختارهای اجتماعی است. میزان باز و بسته بودن ساختاری جامعه به میزان تحمل جامعه نسبت به ناهنجاری و توازن نیروهای تغییرزا و محافظه کارانه بستگی دارد. ساختارهای اجتماعی مختلف، بسترهای متفاوتی را برای نوآوری فراهم می‌کنند. برخی از ساختارها به شدت نسبت به نوآوری حساس هستند و کمترین نوآوری را برنمی‌تابند و برخی دیگر با گشاده‌رویی، از مهمانان ناخوانده هنجاری، استقبال می‌کنند. تحمل نوآوری را به باز بودن و عدم تحمل آن‌ها را به بسته بودن ساختارهای اجتماعی تشبیه می‌کنیم (Rossi, 1989: 292). شدت یا میزان این تحمل، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون نهادینه شدن نگرش‌های اقتدارطلبانه<sup>(۱)</sup> در جامعه، نوع مجاورت با جوامع همجوار و تأثیر پذیری از فرهنگ‌های بیگانه قرار دارد.

نرخ تحرک اجتماعی و گرایش به کسب پایگاه بالاتر در جامعه، شاخص میزان باز یا بسته



بودن ساختارها است. گروه‌های غیرعضویتی در نظام‌های اجتماعی، با نرخ بالای تحرک اجتماعی، بیشتر از نظام‌های اجتماعی بسته برای انتخاب شدن به عنوان گروه مرجع، مطلوبیت دارند. این امر بدان معنا است که در صورت تمایل به گروه‌های غیرعضویتی در وضعیتی که جامعه بومی از نرخ بالای تحرک اجتماعی برخوردار باشد، فرد، گروه‌های مرجع خود را از میان گروه‌های غیرعضویتی بومی برمی‌گزیند. نرخ تحرک، تعیین می‌کند که گرایش به گروه‌های مرجع غیر عضویتی برای فرد، کارکردی است یا غیر کارکردی است (Merton, 1968). اگر بخواهیم تأثیر نرخ تحرک اجتماعی را به نحو عینی‌تری بررسی کنیم باید از یک سو آن را در صلابت مرزهای طبقاتی و قشری و از سوی دیگر، در تلقی‌های موجود از آن‌ها مشاهده نماییم. البته در این پژوهش، تصور باز و بسته بودن ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد که در رفتارها تأثیر مهمی دارد، نه باز یا بسته بودن واقعی ساختارهای اجتماعی.

به این ترتیب، وجود زمینه‌های قبلی برای گرایش به کسب پایگاه که ناشی از باز بودن ساختارهای اجتماعی است، شرایطی را به وجود می‌آورد که موجب نارضایتی فرد از وضعیت پایگاهی خود و امکان تحرک اجتماعی می‌شود. این موضوع در تحلیل مرتن از پژوهش «سرباز آمریکایی»<sup>(۱)</sup> که پیش‌تر توسط استوفر و همکارانش (Stouffer et al, 1949)، انجام شده بود نیز به چشم می‌خورد. سربازان نیروی زمینی که کمتر از سربازان نیروی هوایی امکان تحرک داشتند، کمتر از پایگاه خود ناراضی بودند. در حالی که گله‌مندی پرسنل نیروی هوایی با وجود امکان تحرک بیشتر، نسبت به وضعیت تحرک و امکان کسب پایگاه بالاتر، بیشتر از پرسنل نیروی زمینی بود (Merton, 1968).

در واقع می‌توان گفت تلقی فرد از امکان تحرک اجتماعی در جامعه بومی در صورت وجود انگیزه تحرک بر گرایش او به گروه‌های غیر عضویتی<sup>(۲)</sup> بومی<sup>(۳)</sup> یا غیربومی<sup>(۴)</sup> تأثیر می‌گذارد. تلقی فرد از امکان تحرک اجتماعی در جامعه غیر بومی نیز در صورت وجود انگیزه تحرک،

۱- سرباز آمریکایی عنوان پژوهشی است که در سال ۱۹۴۹ توسط استوفر و همکارانش در مورد پرسنل ارتش آمریکا در چارچوب مفهوم محرومیت نسبی صورت گرفت و بعداً توسط رابرت مرتن در چارچوب نظری گروه مرجع، مورد تجزیه و تحلیل مجدد فرارگرفت.

2- non-membership

3- local

4- non-local

گرایش فرد را برای انتخاب گروه غیر عضویتی از جامعه غیربومی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرایش به گروه مرجع غیربومی، بعضاً تلاشی برای کسب پایگاه تلقی می‌شود. اگر فرد از پایگاه مناسب و رضایت بخشی در گروه یا جامعه خود برخوردار نباشد، بیشتر به کسب پایگاه در گروه یا جامعه دیگر گرایش پیدا می‌کند. در صورتی فرد به پایگاه در گروه یا جامعه دیگری تمایل می‌یابد که تصور کند آن پایگاه از پایگاه فعلی او بالاتر و در عین حال، قابل اکتساب است. در این صورت است که فرد به عضویت در آن گروه یا جامعه، گرایش می‌یابد و بالطبع، گروه‌های مرجع خود را نیز از آن گروه یا جامعه بر می‌گزیند. این موضوع، یعنی گرایش به گروه‌های مرجع، در موارد بالا نیز صادق است.

آن‌هایی که تصور می‌کنند پایگاه حاصله، بالاتر از پایگاهی است که در جامعه بومی خود دارند، بیشتر به سمت گروه‌های مرجع غیربومی گرایش پیدا می‌کنند و برای آن‌هایی که تصور می‌کنند پایگاه فعلی شان از پایگاه محتمل در صورت مهاجرت، بالاتر است، احتمال گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی، کمتر است. افزون بر این، انتظار فرد به آینده‌ای بهتر در همین پایگاه، می‌تواند بر مشروعیت پایگاهی و در نتیجه گزینش گروه مرجع وی از جامعه بومی و غیربومی تأثیرگذار باشد؛ یعنی امید فرد به این که پایگاه فعلی در آینده‌ای قابل پیش‌بینی می‌تواند در تأمین نیازهای او مؤثر باشد و برای او و جاهت به ارمغان آورد. این و جاهت، هم در مقایسه با پایگاه‌های دیگر در جامعه بومی مطرح است و هم در مقایسه با جوامع دیگر و پایگاه‌هایی که فرد ممکن است در آن جوامع به دست آورد.

مفهوم باز و بسته بودن ساختارهای اجتماعی، بستگی به تصور فرد از امکان تحرک اجتماعی بر اساس متغیرهای اکتسابی نظیر تحصیلات و تجربه دارد. ساختارهای اجتماعی مختلف، بسترهای متنوعی را برای نوآوری فراهم می‌کنند. در واقع باز و بسته بودن، دو سر یک طیف هستند که جوامع بشری در نقاط متفاوتی از آن قرار دارند. بررسی معرفت‌شناسانه (یا تصور) باز یا بسته بودن ساختارهای اجتماعی از توجه وجود شناسانه به آن متفاوت است، هر چند یکی بر دیگری دلالت دارد.

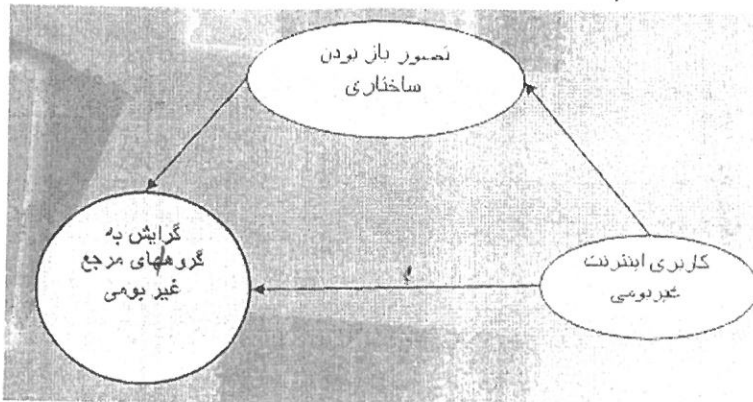
در حالی که شباهت‌های میان اعضای یک گروه یا رده اجتماعی، بر تأثیر و نفوذ ساختارهای اجتماعی دلالت دارند، تفاوت‌های میان آن‌ها، هم به ویژگی‌های گروهی غیر اشاره دارند و هم به عوامل فردی و شخصیتی. لکن، بحث عوامل فردی و شخصیتی، بیشتر بیانگر

تأثیری است که گروه‌های مرجع می‌توانند در شکل‌گیری شخصیت داشته باشند. در واقع، نظام گرایش‌های رفتاری فرد، تابعی است از عوامل اجتماعی‌کننده که گروه‌های مرجع، یکی از آنهاست. بنابراین، بحث عوامل فردی و شخصیتی بیشتر در قالب اجتماعی کردن<sup>(۱)</sup> در تبیین گرایش به گروه‌های مرجع، مفید است.

کاربری اینترنت<sup>(۲)</sup> می‌تواند به منزله یکی از عوامل تبیین‌کننده گرایش به گروه‌های مرجع در چارچوب مفهوم اجتماعی کردن مورد بررسی قرار گیرد. رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های جدید بعد از تلویزیون، نظیر ماهواره و اینترنت، تأثیر به‌سزایی در فرایند جامعه‌پذیری و در نتیجه، گزینش گروه‌های مرجع از سوی مردم نقاط مختلف جهان دارند. اگرچه بسیاری از اندیشمندان بر تأثیر یک‌سویه رسانه‌های مدرن و قدرت آن‌ها در تغییر نگرش مخاطبان تأکید نموده‌اند، لکن تأثیرگذاری فرهنگی بر مردم هنگامی محقق خواهد شد که خود مردم آن را ممکن بیندارند وگرنه احتمال دارد آن را به منزله رؤیایی برای زندگی در شرایط متفاوت یا عاملی صرفاً سرگرم‌کننده ولی بی‌ربط بیندارند. گروه‌های مرجع بومی نیز تأثیر بسیاری در این فرایند دارند که آن‌ها را از طریق رسانه‌ها به آن‌ها عرضه می‌شود، واقعی و ممکن تصور کنند (Kitching, 2001). کاربری اینترنت انواع استفاده‌ها از شبکه جهانی وب، از جمله دریافت و یا ارسال اطلاعات از طریق سایت‌ها و شبکه‌های ایرانی و غیر ایرانی را در بر می‌گیرد.

با توجه به دیدگاه کنش متقابل که بر تصور از واقعیات تا خود واقعیات تأکید دارد و با عنایت به این‌که نظریه گروه مرجع مرتن، در واقع نظریه‌ای است برای آزمون نظریه‌های با دامنه متوسط، در مجموع می‌توان گفت تصور باز و بسته بودن ساختارهای اجتماعی که به میزان تحرک اجتماعی در گروه بستگی دارد، و حضور در محیط مجازی از طریق کاربری اینترنت، بر نحوه گزینش گروه مرجع، تأثیرگذار هستند. کاربری اینترنت به منزله یکی از رسانه‌های فرامدرن، نقش به‌سزایی در شکل‌گیری گرایش‌های فرد ایفا می‌کند. میزان و نوع کاربری، در گرایش به گروه‌های مرجع، تأثیرگذار است. چارچوب نظری مطالعه را می‌توان در مدل زیر خلاصه نمود:

### مدل نظری پژوهش



همان گونه که در این مدل مشاهده می‌شود، کاربری اینترنت غیربومی، هم به صورت مستقیم و هم از طریق تصور باز بودن ساختاری، بر گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، تأثیر گذار است.

### فرضیه‌های پژوهش

در این بخش، مهمترین فرضیه‌های پژوهش که برخاسته از چارچوب نظری فوق الذکر است ارائه می‌شود:

- ۱- تصور از میزان باز بودن ساختاری با گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی رابطه معکوس دارد؛ یعنی هر قدر ساختارهای جامعه ایرانی باز تر تصور شود، گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی کمتر می‌شود و برعکس.
- ۲- کاربری اینترنت غیربومی، با گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، رابطه مستقیم دارد؛ بدین معنی که هر قدر میزان کاربری اینترنت غیربومی، بیشتر باشد، گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی نیز بیشتر است.
- ۳- کاربری اینترنت غیربومی، با تصور از میزان باز بودن ساختاری، رابطه معکوس دارد؛ بدین معنی که با افزایش میزان کاربری اینترنت غیربومی، شاهد کاهش تصور باز بودن ساختاری و با افزایش کاربری اینترنت بومی شاهد افزایش تصور باز بودن ساختاری هستیم.

## روش پژوهش

اگر چه می توان به طور مستقیم به سنجش گرایش به گروه های مرجع پرداخت، اما با عنایت به مطالعه ای که سلترز (Seltzer, 1989: 49-52) انجام داده است، می توان شاخص های نگرشی و رفتاری نیز برای سنجش گروه مرجع افراد در نظر گرفت. این شاخص ها که تحت عنوان «شاخص گروه مرجع بزرگسالان»<sup>(۱)</sup> ARG1 توسط سلترز معرفی شده است، می تواند دیدگاه های فرد را در زمینه های مختلف، نظیر مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در بر گیرد. در واقع این دیدگاه ها می تواند بیانگر آن باشد که فرد عملاً به کدام گروه های مرجع گرایش دارد. با توجه به این که برای سنجش گروه مرجع در جامعه ایرانی قبلاً شاخص سازی نشده است، طی یک بررسی مفصل جداگانه از طریق روش های کیفی، نسبت به تهیه یک مقیاس پنج گویه ای برای سنجش شاخص نگرش غیربومی، اقدام گردید و گرایش به گروه های مرجع غیربومی نیز از طریق سه شاخص فرعی گرایش عضویتی غیربومی، گرایش الگویی غیربومی و نگرش غیربومی، اندازه گیری شد.

تصور فرد در مورد میزان باز یا بسته بودن ساختارهای اجتماعی، با موارد زیر سنجیده می شود:

نظر فرد در مورد امکان به دست آوردن شغل بهتر در جامعه بومی و یا خانواده

نظر فرد در مورد امکان به دست آوردن درآمد بیشتر در جامعه بومی برای خود و یا خانواده

نظر فرد در مورد امکان به دست آوردن تحصیلات بالاتر در جامعه بومی برای خود و یا

خانواده

معرف های کاربری اینترنت در دو بخش بومی و غیر بومی عبارتند از: زمان اختصاص یافته به استفاده از اینترنت؛ سابقه استفاده از اینترنت؛ تنوع استفاده از اینترنت؛ ارتباط استفاده از اینترنت با شغل؛ استفاده از اینترنت به عنوان اوقات فراغت و ایجاد سایت و وبلاگ. معرف های کاربری اینترنت بومی عبارتند از بهره مندی از: سایت های ایرانی و فارسی زبان؛ مجلات الکترونیکی فارسی زبان؛ چت با ایرانیان و فارسی زبانان و وبلاگ ایرانی و یا به زبان فارسی.

روش گردآوری داده‌ها: در این بررسی، آزمون فرضیه‌های تحقیق، از طریق روش پیمایش مقایسه مجازی - واقعی کاربران اینترنت صورت گرفت و پیمایش در دو عرصه مجازی، و واقعی انجام شد. در عرصه مجازی با استفاده از پرسشنامه الکترونیکی و در عرصه واقعی، با استفاده از پرسشنامه معمولی (چاپی) نسبت به جمع‌آوری اطلاعات از دو گروه کاربران و غیر کاربران اینترنت اقدام شد. استفاده از این روش ترکیبی، به منظور مقایسه داده‌ها در دو عرصه مجازی و واقعی و دو گروه کاربران و غیر کاربران صورت گرفت. با این کار، علاوه بر سنجش صحت اطلاعات و اعتبار داده‌های جمع‌آوری شده، می‌توان به تفاوت پاسخ‌ها در دو محیط نیز پی برد. از آن جایی که اجرای پرسشنامه به صورت الکترونیکی از سابقه چندانی در محافل علمی جهان و ایران برخوردار نیست لازم بود داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مقایسه‌ای با داده‌ها در عرصه واقعی مورد ارزیابی قرار گیرد. (Entezari, 2005) داده‌های مربوط به کاربران اینترنت به منظور کنترل آن‌ها با داده‌های مربوط به غیر کاربران نیز مورد مقایسه قرار گرفت. با این کار، سطح روایی و پایایی ابزار سنجش، قابل بررسی بوده و افزایش می‌یابد.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری: با استفاده از روش پیمایش مقایسه‌ای مجازی - واقعی در این پژوهش، دو جامعه آماری مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفتند. در این روش، علاوه بر مطالعه مستقل در هر یک از جامعه‌های آماری، اطلاعات مشترک میان هر دو جامعه آماری نیز مورد مقایسه قرار می‌گیرند (Entezari, 2005). روش نمونه‌گیری در جامعه آماری واقعی که متشکل از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی است، روش نمونه‌گیری غیر احتمالی است که طی آن بر اساس آمار کل دانشجویان دانشگاه، سهمیه هر دانشکده، مشخص و با استفاده از پرسشنامه چاپی، به آن‌ها مراجعه و پرسشنامه‌ها تکمیل شده است. تعداد نمونه در این جامعه آماری بر اساس فرمول 
$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$
 (سرایی ۱۳۷۲: ۱۲۹) محاسبه و حجم آن ۳۵۰ نفر برآورد شد. جامعه آماری محیط مجازی عبارت است از اعضای ایرانی گروه‌های ایرانی یا هو که در دوره زمانی ارائه پرسشنامه، فعال بوده‌اند. در این جامعه آماری، از پرسشنامه الکترونیکی و از طریق شرکت‌های پیمایش الکترونیکی استفاده شده است. برای این کار، درخواست تکمیل پرسشنامه الکترونیکی به همراه پیوند اینترنتی مربوط به گروه‌های ایرانی یا هو که این امکان را فراهم ساخته‌اند، ارسال شد و آن‌هایی که این پیام را مشاهده کردند، نسبت

به تکمیل پرسشنامه اقدام نمودند.

سنجش پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری: با توجه به این که پرسشنامه چایی، مطابق پرسشنامه الکترونیکی طراحی شده است، برای سنجش روایی متغیرها، از روش بررسی روایی از نظر متخصصان و مصاحبه ساخت نیافته با پرسشگران استفاده شده است. در این روش، علاوه بر این که روایی هر یک از شاخص‌ها برای سنجش گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی و سایر متغیرها از دید متخصصان بررسی می‌شود، پرسشنامه‌ای نیز که حاوی پرسش‌هایی در مورد گرایش به گروه‌های مرجع است، تهیه شده بود که در مرحله مقدماتی به ۵۰ نفر ارائه شد و پس از پاسخ به آن‌ها توسط آزمودنی‌ها، گفتگو به روش ساخت نیافته صورت گرفت تا میزان روایی هر یک از متغیرها، اندازه‌گیری و بررسی شود. برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه نیز از فرمول آلفای کرنباخ استفاده شد.

برای تجزیه تحلیل آماری داده‌ها از ضریب خی دو پیرسون، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل عوامل و برای مقایسه اطلاعات میان دو جامعه آماری که به صورت ناهمگن مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، از آزمون مان - ویتنی استفاده شده است.

### مهمترین یافته‌های پژوهش

#### الف) یافته‌های توصیفی

تفاوت قابل توجهی از جهات مختلف بین دو محیط واقعی و مجازی قابل مشاهده است که در این پژوهش تلاش می‌شود به بعدی از این تفاوتها نگریسته شود. همان گونه که پیش‌تر نیز مطرح شد، گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی که متغیر وابسته این پژوهش است، از سه مؤلفه گرایش عضویتی غیر بومی، گرایش الگویی غیر بومی و شاخص نگرشی غیربومی تشکیل می‌شود.

شاخص گرایش عضویتی: این گرایش، حاصل ترکیب معرف‌های مربوط، شامل میزان رضایت از زندگی در ایران، کشور مورد علاقه برای زندگی، میزان گرایش به زندگی در آن کشور و میزان احترام اطرافیان برای کسی که در خارج از ایران زندگی می‌کند، است. همان گونه که در جدول ۱ و نمودار ۱ مشاهده می‌شود، گرایش‌های عضویتی اکثر آزمودنی‌ها در محیط واقعی در بیش از ۶۶ درصد موارد، پایین است. در حالی که اکثریت نسبی آزمودنی‌ها در محیط مجازی

یعنی حدود ۴۲ درصد آنان از گرایش عضویتی غیر بومی نسبتاً بالایی برخوردارند. این گرایش در ۳۶/۷ درصد در حد متوسط و در ۲۱/۴ درصد در حد پایین ارزیابی شده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصدی شاخص گرایش عضویتی غیر بومی

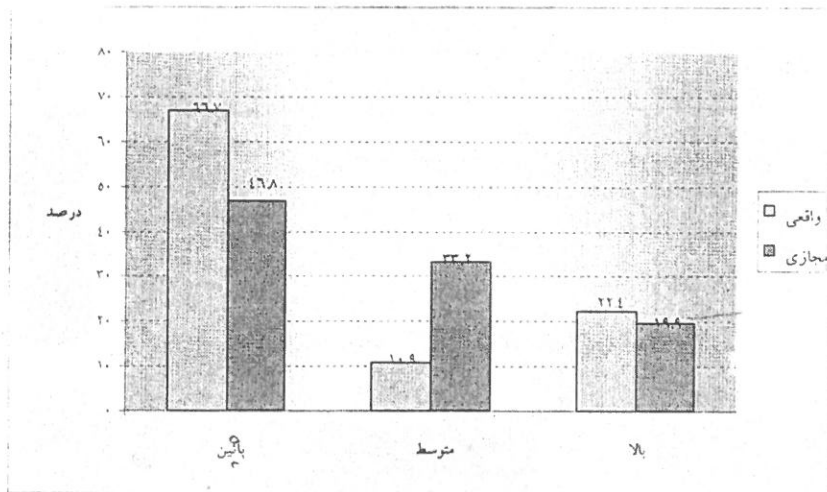
محیط مجازی			محیط واقعی			گرایش عضویتی غیر بومی
درصد تراکمی	درصد	فراوانی	درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۲۱/۴	۲۱/۴	۶۳	۶۶/۷	۶۶/۷	۲۳۲	پایین
۵۸/۲	۳۶/۷	۱۰۸	۷۷/۶	۱۰/۹	۳۸	متوسط
۱۰۰/۰	۴۱/۸	۱۲۳	۱۰۰/۰	۲۲/۴	۷۸	بالا
	۱۰۰/۰	۹۴		۱۰۰/۰	۳۴۸	جمع
میانگین: ۱۲/۲۷ میانه: ۱۲/۳			میانگین: ۵/۴ میانه: ۴/۲۸			آماره‌ها <sup>(۱)</sup> (بر مبنای ۲۰):

در نگاه تفصیلی به گرایش عضویتی، یکی از معرف‌های مربوط مهم، رضایت از زندگی در ایران است. تنها حدود ۲۰ درصد دانشجویان به میزان کم و خیلی کم، از زندگی در ایران رضایت دارند. ولی ۳۰ درصد نمونه مجازی به میزان کم و خیلی کم، از زندگی در ایران رضایت دارند. در ارتباط با همین معرف، حدود ۴۳ درصد دانشجویان و ۴۵ درصد نمونه مجازی، ایران را به عنوان محل مورد علاقه برای زندگی خود معرفی کرده‌اند. یکی دیگر از معرف‌های این شاخص، میزان احترام اطرافیان برای کسی است که در یکی از کشورهای خارجی زندگی می‌کند. از نظر ۱۴ درصد دانشجویان در صورت زندگی در کشورهای خارجی (کشورهای پیشرفته غربی یا وابسته به غرب) به میزان زیاد و خیلی زیاد مورد احترام اطرافیان قرار خواهند گرفت. این نسبت در میان اعضای نمونه مجازی به ۲۶ درصد می‌رسد.

۱- نمره ۲۰ در آماره‌ها بر مبنای حداکثر در همان نمونه محاسبه شده است.



نمودار ۱- مقایسه میزان گرایش‌های عضویتی غیر بومی در پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) و آزمودنی‌های محیط مجازی



شاخص گرایش الگویی: گرایش الگویی عبارت است از گرایش به اشخاص و گروه‌ها به منزله سرمشقی برای زندگی در عرصه‌های مختلف حیات جمعی و برگرفتن معیارهای زندگی از آنان. همان‌گونه که در جدول ۲ و نمودار ۲ مشاهده می‌شود، گرایش الگویی غیر ایرانی در حدود ۳۹ درصد از آزمودنی‌های محیط واقعی پایین، در ۳۸ درصد متوسط و تنها در حدود ۲۳ درصد، این گرایش به سمت بالا میل می‌کند. در محیط مجازی، بیش از ۴۱ درصد، از گرایش پایین و فقط ۱۳/۳ درصد از گرایش بالای الگویی غیر بومی برخوردارند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود شاخص گرایش الگویی غیر بومی در محیط واقعی، نسبتاً از محیط مجازی بیشتر است و این امر ناشی از اطلاعات بیشتر اعضای محیط واقعی است. علی‌رغم این که دو شاخص دیگر گرایش به گروه مرجع غیر بومی در میان پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) کمتر از گروه مجازی است، لکن گرایش الگویی غیر بومی در میان پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) نسبتاً بیشتر است. به نظر می‌رسد یکی از عوامل چنین وضعیتی، رشته تحصیلی و میزان مطالعات گروه پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) باشد. در واقع دانشجویان، به خصوص دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، به دلیل این که همگی در رشته‌های علوم انسانی تحصیل

می‌کنند، بیشتر با شخصیت‌های غیر بومی به دلایل آموزش آشنا هستند و بیشتر از اعضای محیط مجازی، توانایی نام بردن شخصیت‌های غیر بومی را به عنوان شخصیت‌های محبوب خود دارا هستند.

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصدی شاخص گرایش الگویی غیر بومی

محیط مجازی			محیط واقعی			گرایش عضویتی غیر بومی
درصد تراکمی	درصد	فراوانی	درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۴۱/۵	۴۱/۵	۱۲۲	۳۸/۹	۳۸/۹	۱۳۶	پایین
۸۶/۷	۴۵/۲	۱۳۳	۷۶/۹	۳۸/۰	۱۳۳	متوسط
۱۰۰/۰	۱۳/۳	۳۹	۱۰۰/۰	۲۳/۱	۸۱	بالا
	۱۰۰/۰	۹۴		۱۰۰/۰	۳۵۰	جمع
میانگین: ۶/۳۵ میانه: ۵/۷			میانگین: ۵/۶ میانه: ۴/۴			آماره‌ها <sup>(۱)</sup> (بر مبنای ۲۰)

نمودار ۲- مقایسه گرایش الگویی غیر بومی در پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) و آزمودنی‌های محیط مجازی



۱- نمره ۲۰ در آماره‌ها بر مبنای حداکثر در همان نمونه محاسبه شده است.

شاخص نگرشی: سومین مؤلفه گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، شاخص نگرشی است که بر اساس آن‌ها می‌توان در مورد نگرش غیربومی افراد، قضاوت نمود. این شاخص بعد از بررسی عباراتی به منظور سنجش گرایش غیر بومی افراد از طریق نظرات آنان در موارد گوناگون در زندگی روزمره، تهیه شده است. از مجموع نظرات آزمودنی‌ها در موارد مختلف شاخص نگرشی غیر بومی به دست آمده که به صورت جدول ۵ طبقه بندی گردیده است.

همان گونه که در جدول ۳ و نمودار ۳ مشاهده می‌شود، در محیط واقعی، شاخص نگرشی غیر بومی در بیش از ۴۸ درصد آزمودنی‌ها پایین و در حدود ۳۱ درصد نیز متوسط است. تنها ۲۰/۶ درصد پاسخگویان محیط واقعی، از شاخص نگرشی غیر بومی بالا برخوردار هستند. این مقدار، نشان دهنده میزان ناهماهنگی موجود در میان پاسخگویان محیط واقعی با گرایش‌های بومی و عرفی جامعه نیز هست. از آنجایی که این شاخص به طور غیر مستقیم گرایش‌های گروه مرجعی غیر بومی را اندازه‌گیری می‌کند، احتمالاً بهتر از دو شاخص دیگر، یعنی گرایش الگویی و گرایش غیر عضویتی می‌تواند در اندازه‌گیری متغیر وابسته پژوهش، کارایی داشته باشد. در محیط مجازی، شاخص نگرشی غیربومی، بیشتر تمایل به بالا دارد؛ به نحوی که ۳۸/۶ درصد، از نگرش غیر بومی بالا، ۳۸/۳ درصد از نگرش متوسط و ۲۳/۱ درصد از نگرش پایین برخوردارند.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصدی طبقات شاخص نگرشی غیر بومی

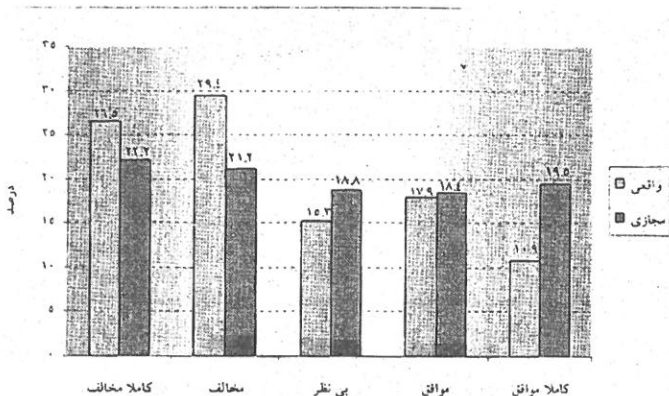
محیط مجازی			محیط واقعی			گرایش غیربومی
درصد تراکمی	درصد	فراوانی	درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۲۳/۱	۲۳/۱	۶۸	۴۸/۴	۴۸/۴	۱۶۹	پایین
۶۱/۶	۳۸/۴	۱۱۳	۷۹/۴	۳۰/۹	۱۰۸	متوسط
۱۰۰/۰	۳۸/۴	۱۱۳	۱۰۰/۰	۲۰/۶	۷۲	بالا
۱۰۰/۰		۹۴		۱۰۰/۰	۳۴۹	جمع
میانگین: ۱۲/۸۷ میانه: ۱۳/۶			میانگین: ۱۰/۷۵ میانه: ۱۰/۸۳			آماره‌ها (بر مبنای ۲۰):

نمودار ۳- مقایسه شاخص نگرشی گروه مرجع پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) و آزمودنی‌های محیط مجازی



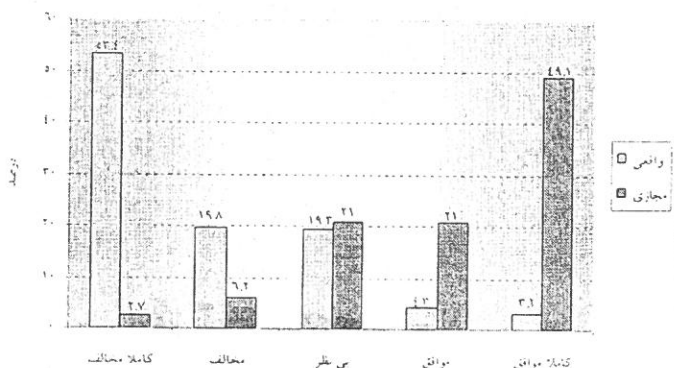
یکی از معرف‌های مهم این شاخص، نظر آزمودنی‌ها در مورد زندگی مشترک دختر و پسر، قبل از ازدواج است. اکثریت نسبی، یعنی ۵۶ درصد دانشجویان، با زندگی مشترک دختر و پسر قبل از ازدواج برای مدتی کوتاه، مخالف و کاملاً مخالف و حدود ۲۹ درصد، با آن موافق و کاملاً موافق هستند. در حالی که ۴۴ درصد نمونه مجازی، با زندگی مشترک دختر و پسر، قبل از ازدواج برای مدتی کوتاه، مخالف و کاملاً مخالف و ۳۸ درصد با آن، موافق و کاملاً موافق هستند.

نمودار ۴- مقایسه نظرات پاسخگویان در مورد: زندگی مشترک دختر و پسر برای مدتی کوتاه قبل از ازدواج



یکی دیگر از معرف‌های مهم این شاخص، نظر آزمودنی‌ها در مورد نگهداری سگ در آپارتمان است. بیش از ۷۰ درصد دانشجویان با نگهداری سگ در آپارتمان، مخالف و کاملاً مخالف و کمتر از ۸ درصد، موافق و کاملاً موافق هستند. در نقطه مقابل، فقط ۹ درصد آزمودنی‌های محیط مجازی با نگهداری سگ در آپارتمان مخالف و کاملاً مخالف و ۷۰ درصد با آن موافق و کاملاً موافق هستند (نمودار ۵).

نمودار ۵- مقایسه نظرات پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) و آزمودنی‌های محیط مجازی در مورد نگهداری سگ در آپارتمان



### گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی

تاکنون سه شاخص گرایش عضویتی، گرایش الگویی و نگرش غیر بومی معرفی شدند. در عین حالی که هر یک از این سه شاخص می‌تواند به تنهایی برای بررسی ما به کار آید، می‌توان از شاخص جدیدی هم که حاصل ترکیب سه متغیر ترکیبی فوق است، بهره گرفت که آن را گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی می‌نامیم. جدول ۴ و نمودار ۶، ارائه کننده ترکیب هر سه شاخص است. همان گونه که مشاهده می‌شود، نیمی از آزمودنی‌های محیط واقعی، یعنی حدود ۵۰ درصد، از گرایش پایین نسبت به گروه‌های مرجع غیر بومی برخوردارند. این در حالی

است که کمتر از ۲۰ درصد این گروه از آزمودنی‌ها گرایش بالایی دارند. تقریباً می‌توان این ۲۰ درصد دانشجویان را در ارتباط با نظرات در موارد مختلف، ردیابی کرد. شناسایی این ۲۰ درصد و کار روی آن‌ها و همچنین گروهی که در میانه قرار دارند، از موضوعات جذابی است که پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد. در عین حال، بر خلاف بسیاری از تصورات رایج در مورد دانشجویان، ارقام جدول ۴ نشان می‌دهد که گرایش‌های گروه مرجعی غیربومی در اکثر دانشجویان، پایین است. از طریق مقایسه این داده‌ها با داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل پژوهش که توسط آن‌ها قصد تبیین متغیر وابسته را داریم، اطلاعات و تحلیل‌های جالبی به دست خواهد آمد. گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در میان آزمودنی‌های محیط مجازی، به سمت زیاد و خیلی زیاد تمایل دارد؛ به نحوی که نزدیک به ۵۰ درصد آنان دارای گرایش بالا به گروه‌های مرجع غیربومی هستند و ۲۱/۸ درصد از گرایش پایینی برخوردارند. گرایش متوسط نیز ۲۸/۹ درصد آزمودنی‌ها را شامل می‌شود.

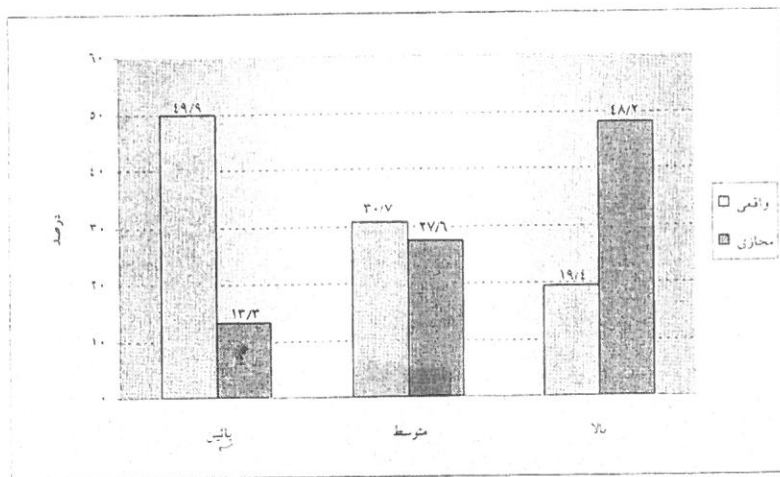
جدول ۴- توزیع فراوانی و درصدی طبقات گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی

محیط مجازی		محیط واقعی			گرایش غیربومی
		فراوانی	درصد	درصد تراکمی	
درصد تراکمی	درصد	فراوانی	درصد	درصد تراکمی	فراوانی
۲۱/۸	۲۱/۸	۶۴	۴۹/۹	۴۹/۹	۱۷۲
۵۰/۷	۲۸/۹	۸۵	۸۰/۶	۳۰/۷	۱۰۶
۱۰۰/۰	۴۹/۳	۱۴۵	۱۰۰/۰	۱۹/۴	۶۷
	۱۰۰/۰	۹۴		۱۰۰/۰	۳۴۵ <sup>(۱)</sup>
میانگین: ۱۴/۲۱ میانه: ۱۴		میانگین: ۹/۷ میانه: ۹/۲۶			آماره‌ها (بر مبنای ۲۰):

۱- تفاوت تعداد کل از کل فراوانی‌های ناشی از حذف مواردی است که فاقد هر دو شاخص با هم

نمودار ۶- مقایسه پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) و آزمودنی‌های محیط مجازی در مورد:

گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی



### تصور باز بودن ساختاری

با توجه به مبانی و چارچوب نظری، تصور باز و یا بسته بودن ساختار جامعه ایرانی، از متغیرهای تبیین کننده گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی به شمار می‌آید. این شاخص از طریق سه معرف دیدگاه‌های آزمودنی‌ها در مورد امکان دستیابی به موقعیت بالاتر، شغل بهتر و تحصیلات بالاتر در ایران، اندازه‌گیری شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود، مطابق مفاد جدول ۵ و نمودار ۷، اکثر پاسخگویان محیط واقعی، یعنی ۵۳/۴ درصد، تصور بازی از ساختار اجتماعی ایران دارند. از نظر ۳۶ درصد آنان، میزان باز بودن ساختار اجتماعی ایران در حد متوسط و تنها از نظر ۱۰/۶ درصد، پایین است. در محیط مجازی، ۴۱/۵ درصد آزمودنی‌ها میزان باز بودن ساختار جامعه ایرانی را کم می‌دانند؛ ۳۵/۸ درصد، آن را متوسط و ۲۲/۶ درصد، آن را زیاد می‌دانند. مشهود است که در محیط مجازی، تصور بسته‌تری از جامعه ایرانی وجود دارد. در این محیط، حدود ۲۰ تا ۲۲ درصد نیز افرادی هستند که به نظر می‌رسد از نگرش‌های متفاوتی برخوردارند. تفاوت قابل مشاهده، نشان دهنده آن است که قرار گرفتن در مرزهای ارتباطی تا چه اندازه می‌تواند بر تصورات مردم از ساختار جامعه آن‌ها تأثیرگذار باشد. در عین حال که تفاوت بین دانشجویان و غیر دانشجویان از این حیث نیز قابل توجه است. . با

توجه به اطلاعات مندرج در نمودار ۷ و آزمون مان-ویتنی به عمل آمده، مقدار Z گواه آن است که میانگین نظرات گروه پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) با احتمال ۹۹ درصد از بازتر بودن تصور ساختاری و میانگین نظرات گروه مجازی، از بسته تر بودن تصور ساختاری حکایت می‌کند. چنین تفاوتی در بین دو گروه کاربران و غیر کاربران نیز در سطح احتمال ۹۹ درصد وجود دارد.

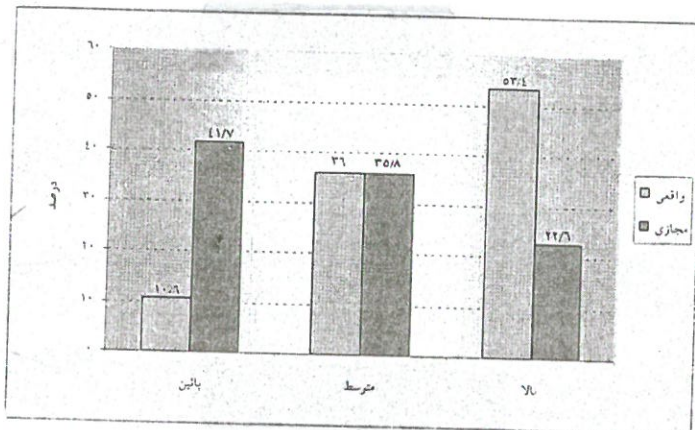
جدول ۵- توزیع فراوانی و درصدی شاخص تصور باز بودن ساختاری پاسخگویان محیط واقعی بر

حسب طبقات

محیط مجازی			محیط واقعی			تصور باز بودن ساختاری
درصد تراکمی	درصد	فراوانی	درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۴۱/۵	۴۱/۵	۱۱۹	۱۰/۶	۱۰/۶	۳۷	پایین
۷۷/۴	۳۵/۹	۱۰۳	۴۶/۶	۳۶/۰	۱۲۶	متوسط
۱۰۰/۰	۲۲/۶	۶۵	۱۰۰/۰	۵۳/۴	۱۸۷	بالا
	۱۰۰/۰	۸۷		۱۰۰/۰	۳۵۰	جمع
میانگین: ۱۱/۰۲ میانه: ۱۰/۶۷			میانگین: ۱۴/۱ میانه: ۱۴/۶۷			آماره‌ها (بر مبنای ۲۰):

نمودار ۷- مقایسه تصور باز بودن ساختاری در پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) و

آزمودنی‌های محیط مجازی





### شاخص کاربری اینترنت

بسیاری از پاسخگویان محیط واقعی، کاربر اینترنت هستند؛ لکن میزان کاربری بسیار اهمیت دارد. این میزان هم از نظر زمانی و هم از نظر نوع فعالیتها مهم هستند که در زیر توصیف آن‌ها ارائه می‌شود

شاخص کاربری اینترنت از ترکیب معرف‌های مربوط به کاربری اینترنت اعم از وجود یا عدم کاربری، داشتن ایمیل شخصی، دارا بودن وبلاگ و یا سایت اختصاصی، سابقه کار با اینترنت و میزان وقت اختصاص یافته در هفته برای کار با اینترنت به دست آمده است. همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، میزان کاربری حدود دو سوم از اعضای محیط واقعی، یعنی ۶۴/۴ درصد آن‌هایی که گفته‌اند از اینترنت استفاده می‌کنند، پایین و تنها در ۱۳/۱ درصد، بالا است. بیش از نیمی از کاربران محیط مجازی، از شاخص کاربری بالا و کمتر از ۱۳ درصد آن‌ها از شاخص کاربری پایین برخوردار هستند. همان گونه که پیش‌بینی هم می‌شد، تفاوت قابل توجهی بین دو گروه در شاخص کاربری اینترنت وجود دارد. این شاخص، شامل میزان کاربری، سابقه کاربری، داشتن ایمیل، سایت و وبلاگ اختصاصی است. شاخص کاربری اینترنت در ۶۴ درصد دانشجویان، پایین و در ۱۳ درصد، بالا است. این در حالی است که این شاخص تنها در ۱۳ درصد از نمونه مجازی، پایین و در ۵۱ درصد از آنان بالا است. میانگین شاخص کاربری اینترنت در گروه پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) است.

جدول ۶- توزیع فراوانی و درصدی شاخص کاربری اینترنت بر حسب طبقات

محیط مجازی		محیط واقعی			کاربری اینترنت	
		فراوانی	درصد	درصد تراکمی		
درصد تراکمی	درصد	فراوانی	درصد	درصد تراکمی	فراوانی	
	۱۲/۸	۳۶	۶۴/۴	۶۴/۴	۲۱۲	
	۴۹/۵	۱۰۳	۸۶/۹	۲۲/۵	۷۴	
	۱۰۰/۰	۱۴۲	۱۰۰/۰	۱۳/۱	۴۳	
	۱۰۰/۰	۸۱		۱۰۰/۰	۳۲۹	
میانگین: ۲/۰۳		میانگین: ۰/۲			آماره‌ها (بر مبنای ۲۰):	

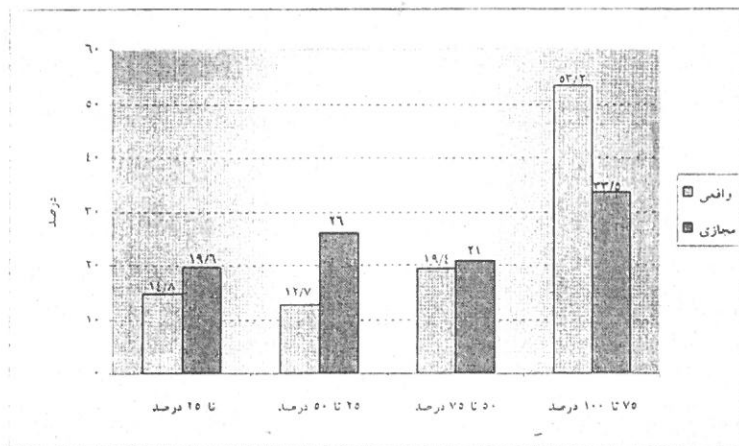
نسبت کاربری اینترنت فارسی: این نسبت یکی از متغیرهای همراه کاربری اینترنت است که به نوبه خود به عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌ها مورد توجه قرار گرفته است. جدول ۷ نشان می‌دهد که ۴۴ درصد از کاربران اینترنت متعلق به محیط واقعی (دانشجویان)، فقط در محیط‌های اینترنت فارسی کار می‌کنند. اطلاعات طبقه بندی شده در مورد این نسبت نشان می‌دهد که در مجموع، ۵۳/۲ درصد کاربران، بیش از ۷۵ درصد از کاربری خود را در محیط فارسی می‌گذارند. در عین حال، ۱۹/۴ درصد بین ۵۰ تا ۷۵ درصد، ۱۲/۷ بین ۲۵ تا ۴۹ درصد و قریب ۱۵ درصد نیز تا ۲۵ درصد، از سایت‌ها و صفحات فارسی زبان استفاده می‌کنند. این نسبت‌ها نشان دهنده آن است که میزان کار با صفحات فارسی، قابل توجه است. البته با توجه به تنوع صفحات فارسی در محیط اینترنت، و وجود سایت‌هایی که محتوای غیر ایرانی را به زبان فارسی ارائه می‌کنند، اساساً نمی‌توان بالا بودن این نسبت را به گرایش بومی نسبت داد؛ بلکه این امر بیشتر به دلیل معنوس بودن زبان فارسی و سایت‌های فارسی زبان و عدم آشنایی کافی با زبان‌های دیگر است. در محیط مجازی، بیشترین فراوانی در طبقه بیش از ۷۵ درصد است که ۳۳/۵ درصد آزمودنی‌ها در آن قرار دارند. کمترین فراوانی نیز در گروه صفر تا ۲۵ درصد است؛ به نحوی که ۱۹/۶ درصد آزمودنی‌ها در آن قرار دارند. این نسبت نشان دهنده آن است که میزان کار با صفحات فارسی در میان آزمودنی‌های محیط مجازی نیز قابل توجه است. تفاوت فاحشی در نسبت کاربری اینترنت فارسی بین دو گروه پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان)، و مجازی وجود دارد؛ به نحوی که میانگین کاربری اینترنت فارسی در میان پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) بیش از گروه مجازی است.

جدول ۷- توزیع فراوانی و درصدی نسبت کاربری اینترنت فارسی در پاسخگویان محیط واقعی برحسب طبقات

محیط مجازی		محیط واقعی			گرایش غیربومی	
		فراوانی	درصد	درصد تراکمی		
درصد تراکمی	درصد	فراوانی	درصد	درصد تراکمی	فراوانی	
		۱۹/۶	۵۵	۱۴/۸	۳۵	پایین
		۲۶/۰	۷۳	۱۲/۷	۳۰	متوسط
		۲۱/۰	۵۹	۱۹/۴	۴۶	بالا
		۳۳/۵	۹۴	۵۳/۲	۱۲۶	جمع
میانگین: ۵۶/۹		میانگین: ۷۱/۸			آماره‌ها (بر مبنای ۲۰):	
میانگین: ۶۰		میانگین: ۸۲/۸۵				

نمودار ۸- مقایسه نسبت کاربری اینترنت فارسی در پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) و

آزمودنی‌های محیط مجازی



### (ب) یافته‌های تبیینی

آزمون فرضیه پژوهش نشان دهنده آن است که متغیرهای مورد نظر، شامل کاربری اینترنت غیر بومی، گرایش جهانی و تصور باز بودن ساختاری که به منزله متغیرهای تبیین کننده متغیر وابسته پژوهش، یعنی گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی در نظر گرفته شده‌اند، با تفاوت‌هایی در دو جامعه آماری واقعی و مجازی با متغیر وابسته پژوهش رابطه دارند.

### ۱- راستی آزمایی گزاره نظری اول

با توجه به اطلاعات جدول ۸، در محیط واقعی بین تصور باز بودن ساختاری و گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی با در نظر گرفتن میزان خي دو (۲۲/۳۲۶) با درجه آزادی ۴، رابطه معناداری در سطح ۹۹ وجود دارد. نتایج بررسی رابطه همبستگی میان دو متغیر نیز نشان می‌دهد آن است که دو متغیر با ضریب پیرسون ۰/۳۲۶- در سطح ۹۹ درصد با هم رابطه معکوس دارند. بنابراین در گروه پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان)، تصور باز از ساختارهای اجتماعی با گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، رابطه معکوس دارد؛ به نحوی که گروهی که تصور باز از ساختارهای اجتماعی ایرانی، دارند گرایش کمتری به گروه‌های مرجع

غیربومی و گروهی که تصور بسته‌ای از ساختارهای اجتماعی ایرانی دارند گرایش بیشتری به گروه‌های مرجع غیربومی نشان داده‌اند. مشابه نتایج فوق نیز در بررسی گروه مجازی به دست آمده است؛ به نحوی که هم ضریب خی دو به دست آمده در ارتباط با جدول ۸ با درجه آزادی ۴ در سطح احتمال ۹۹ درصد، معنی دار است و هم ضریب پیرسون  $0/314$  - نشان می‌دهد که دو متغیر با هم در سطح احتمال ۹۹ درصد، رابطه معکوس دارند. بنابراین در محیط مجازی نیز تصور باز از ساختارهای اجتماعی، با گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، رابطه معکوس دارد. در بررسی هر یک از متغیرهای متشکله مفهوم تصور باز بودن ساختاری با متغیر وابسته پژوهش، یعنی گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی نیز نتایج مشابهی به دست آمده است؛ به نحوی که متغیر مربوط به امکان دستیابی به موقعیت بالاتر، با ضریب همبستگی  $0/372$  -، امکان دستیابی به تحصیلات بالاتر با ضریب همبستگی  $0/217$  - و متغیر امکان دستیابی به درآمد بیشتر با ضریب همبستگی  $0/155$  - با متغیر وابسته پژوهش، رابطه همبستگی معکوس دارند.

#### جدول ۸- توزیع فراوانی گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در محیط واقعی بر حسب تصور باز

##### بودن ساختاری

تصور باز بودن ساختاری								گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی
محیط مجازی				محیط واقعی				
کل	بالا	متوسط	پایین	کل	بالا	متوسط	پایین	
۶۱	۲۵	۲۱	۱۵	۱۷۲	۱۰۹	۵۴	۹	پایین
۸۳	۲۱	۳۵	۲۷	۱۰۶	۵۳	۴۰	۱۳	متوسط
۱۴۳	۱۹	۴۷	۷۷	۶۷	۲۳	۳۰	۱۴	بالا
$287^{(2)}$	۶۵	۱۰۳	۱۱۹	$345^{(1)}$	۱۸۵	۱۲۴	۳۶	کل

۱- تفاوت تعداد کل از کل فراوانی‌ها، ناشی از حذف مواردی است که فاقد هر دو شاخص با هم بوده‌اند.

۲- تفاوت تعداد کل از کل فراوانی‌ها، ناشی از حذف مواردی است که فاقد هر دو شاخص با هم بوده‌اند.

در نتیجه می‌توان به ترتیب میزان همبستگی‌های ذکر شده، ادعاهای زیر را بر اساس نتایج فوق مطرح کرد:

- گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی با تصور امکان دستیابی به موقعیت بالاتر در ایران، رابطه معکوس دارد.

- گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی با تصور امکان دستیابی به تحصیلات بالاتر در ایران، رابطه معکوس دارد.

- گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی با تصور امکان دستیابی به درآمد بیشتر در ایران، رابطه معکوس دارد.

- گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی با تصور باز بودن ساختاری، رابطه همبستگی معکوس دارد.

به نظر می‌رسد گرایش الگویی به خوبی نتواند به عنوان جزئی هماهنگ از گرایش به گروه‌های مرجع تلقی گردد. شاید روش بررسی ما در یافتن الگوهای فرد، ناتوان باشد. در واقع، فهم این امر که چه کسی الگوی فرد است، بسیار پیچیده است. اکثر آزمودنی‌ها در گروه پاسخگویان محیط واقعی (دانشجویان) هنگام پرسش در مورد این که در هر یک از عرصه‌های زندگی که به تفکیک نام برده شده‌اند، از قبیل ازدواج، تحصیل، اشتغال، پوشش و دکوراسیون منزل، از چه کسی الگو می‌گیرند و تبعیت می‌کنند یا نام اعضای خانواده خود را برده‌اند و یا گفته‌اند هیچ کس و خودم. در حالی که ممکن است به صورت غیر محسوس تحت تأثیر کسی غیر از افراد یاد شده قرار داشته باشند.

در نتیجه، گزاره نظری اول پژوهش مبنی بر رابطه معکوس تصور باز بودن ساختاری با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی تایید می‌شود.

## ۲- راستی آزمایی گزاره نظری دوم

جدول شماره ۹، گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی پاسخگویان را بر حسب میزان کاربری اینترنت آن‌ها منعکس می‌نماید. میزان خی دو پیرسون در جدول ۹ برای محیط واقعی، ۲۱/۲۶۵ است که با درجه آزادی ۴ در سطح ۹۹ درصد، معنادار است. بنابراین، فرض پوچ بودن رابطه میان دو متغیر، رد می‌شود. به این ترتیب، میان میزان کاربری اینترنت و گرایش به

گروه‌های مرجع غیر بومی در پاسخگویان محیط واقعی، رابطه وجود دارد. در جامعه آماری محیط واقعی، شاخص کاربری اینترنت با گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، همبستگی مستقیم دارد. ضریب همبستگی پیرسون  $+0/269$  است که در سطح احتمال ۹۹ درصد، معنی دار است. همچنین سابقه کاربری اینترنت نیز با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی همبستگی مستقیم دارد. ضریب همبستگی پیرسون  $+0/203$  است که در سطح احتمال ۹۹ درصد معنی دار است. همان گونه که در فرضیه نیز پیش‌بینی شده بود نسبت کاربری فارسی با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی همبستگی معکوس دارد؛ به نحوی که ضریب همبستگی پیرسون  $-0/235$  در سطح احتمال ۹۹ درصد، معنی دار است. در بررسی تفاوت میانگین گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در دو گروه کاربر و غیر کاربر اینترنت، بر اساس آزمون مان-ویتنی به عمل آمده، تفاوت نسبتاً زیادی در میانگین دو گروه مشاهده شد؛ به نحوی که میانگین گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی کاربران اینترنت با توجه به مقدار Z در سطح احتمال ۹۹ درصد از میانگین غیر کاربران بیشتر است.

جدول ۹ نشان می‌دهد که در محیط مجازی، گروه‌های مختلف کاربران اینترنت با توجه به شاخص کاربری که دارند، از میزان گرایش متفاوتی نسبت به گروه‌های مرجع بومی برخوردارند. با توجه به این که میزان خبی دو پیرسون با درجه آزادی ۴ در سطح ۹۹ درصد معنی دار است، فرض بوج بودن رابطه، منتفی است.

جدول ۹- توزیع فراوانی گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی بر حسب شاخص کاربری اینترنت

در محیط واقعی

شاخص کاربری اینترنت								گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی
محیط مجازی				محیط واقعی				
کل	بالا	متوسط	پایین	کل	بالا	متوسط	پایین	
۵۸	۴۱	۱۴	۳	۱۵۷	۹	۳۵	۱۱۳	پایین
۸۳	۴۳	۳۱	۹	۱۰۲	۱۸	۱۹	۶۵	متوسط
۱۴۰	۵۸	۵۸	۲۴	۶۵	۱۶	۱۹	۳۰	بالا
۲۸۱	۱۴۲	۱۰۳	۳۶	۳۲۴	۴۳	۷۳	۲۰۸	بالا

در محیط مجازی، بین گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی و شاخص کاربری اینترنت، رابطه همبستگی مشاهده نشد. لکن متغیر وابسته پژوهش، با میزان وقتی که کاربران با اینترنت می‌گذارند، همبستگی معکوس دارد؛ به نحوی که ضریب همبستگی پیرسون  $0/248-$  در سطح آماری ۹۹ درصد، معنی دار است. در عین حال، گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در این گروه، با نسبت کاربری اینترنت فارسی، همبستگی ضعیف معکوس با ضریب پیرسون  $0/15+$  دارد که در سطح احتمال ۹۵ درصد، معنی دار است. همچنین، در بررسی میانگین وقت اختصاص یافته به کار با اینترنت در هفته در دو گروه با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی بالا و پایین با توجه به مقدار  $Z$  به دست آمده ( $4686-$ ) بر اساس آزمون مان-ویتنی در سطح احتمال ۹۹ درصد میانگین گروه با گرایش پایین، بیشتر از گروه با گرایش بالا است. در عین حال، میانگین گرایش به گروه مرجع غیر بومی در گروه با میزان کاربری بالاتر، کمتر از گروه دیگر با میزان کاربری پایین تر است. این تفاوت با توجه به آزمون مان-ویتنی به عمل آمده در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین:

- در جامعه آماری محیط واقعی، میزان کاربری اینترنت با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی، رابطه همبستگی مستقیم دارد.

- در جامعه آماری محیط واقعی، نسبت کاربری اینترنت فارسی با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی، رابطه همبستگی معکوس دارد.

- در جامعه آماری محیط مجازی، میزان کاربری اینترنت در آن‌هایی که گرایش بیشتری به گروه‌های مرجع دارند، کمتر است.

- در جامعه آماری محیط مجازی، گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در آن‌هایی که میزان کاربری اینترنت بیشتری دارند، کمتر از آن‌هایی است که میزان کاربری کمتری دارند.

- در محیط مجازی، گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی با نسبت کاربری اینترنت فارسی، همبستگی ضعیف مستقیم دارد.

- گزاره دوم پژوهش مبنی بر رابطه کاربری اینترنت با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در هر دو گروه پاسخگویان محیط واقعی و محیط مجازی تأیید می‌شود. در گروه پاسخگویان محیط واقعی، رابطه مستقیم است. در محیط مجازی، رابطه معکوس است.



## ۳- راستی آزمایی گزاره نظری سوم

در بررسی رابطه همبستگی در گروه پاسخگویان محیط واقعی، متغیر تصور باز بودن ساختاری با شاخص کاربری اینترنت رابطه‌ای ندارد، لکن با سابقه کار با اینترنت و میزان کار با اینترنت در هفته، همبستگی ضعیف معکوسی و با نسبت کاربری اینترنت فارسی نیز همبستگی ضعیف مستقیم دارد. بر اساس آزمون مان-ویتنی به عمل آمده، میانگین تصور باز بودن ساختاری کاربران، کمتر از غیر کاربران است. تفاوت این دو میانگین با توجه به مقدار  $Z$  (۲۹۰۱-) در سطح احتمال ۹۹ درصد، معنی‌دار است. نسبت کاربری اینترنت غیر بومی با تصور باز بودن ساختاری نیز همبستگی معکوس دارد. ضریب پیرسون این همبستگی ۰/۱۵۶- است که در سطح احتمال ۹۵ درصد، معنی‌دار است.

در محیط مجازی، شاخص کاربری اینترنت و سابقه استفاده از اینترنت، با تصور باز بودن ساختاری، همبستگی ندارند. صرفاً میزان وقت کار با اینترنت با تصور باز بودن ساختاری، رابطه مستقیم نسبتاً ضعیفی با ضریب همبستگی ۰/۱۷+ دارد که در سطح احتمال ۹۵ درصد، معنی‌دار است. در عین حال، میانگین تصور باز بودن ساختاری در گروهی که شاخص کاربری اینترنت آن‌ها بالا است، بیشتر از میانگین گروهی است که شاخص کاربری اینترنت آن‌ها پایین است. تفاوت مورد نظر بر اساس آزمون مان-ویتنی به دست آمده با توجه به مقدار  $Z$  (۳۳۱۰-) در سطح احتمال ۹۹ درصد، معنی‌دار است.

در نتیجه:

- در محیط واقعی، تصور باز بودن ساختاری با کاربری اینترنت غیربومی، همبستگی معکوس دارد.

- در محیط واقعی، تصور باز بودن ساختاری با میزان وقت اختصاص یافته برای کار با اینترنت، همبستگی معکوس ضعیفی دارد.

- در محیط واقعی، میانگین تصور باز بودن ساختاری در گروه کاربران، بیشتر از گروه غیرکاربران است.

- در محیط مجازی، تصور باز بودن ساختاری با نسبت کاربری اینترنت غیربومی، رابطه‌ای ندارد.

- در محیط مجازی، تصور باز بودن ساختاری در گروهی که شاخص کاربری اینترنت



آن‌ها بالا است بیشتر از گروهی است که شاخص کاربری آن‌ها پایین است.  
- گزاره نظری سوم پژوهش مبنی بر همبستگی معکوس تصور باز بودن ساختاری با کاربری اینترنت غیر بومی در جامعه آماری محیط واقعی تأیید، لکن در محیط مجازی، رد می‌شود.

### بحث نظری در مورد نتایج

اختلال در گروه‌های مرجع مردم، تنها به کشورهای جهان سوم و از جمله جامعه ایرانی اختصاص ندارد، بلکه در سایر جوامع هم‌جوار ما (Abou-Saad, 1999; Rosenthal-Sokolov & Eshel, 2000; Alexander, 1998) و نیز در بسیاری از جوامعی که در مسیر توسعه گام برداشته‌اند (Raviv, Amiram, Daneil; Niramla & Yuen, 2001; Bar-Tal, Alona Raviv, Asaf Ben-Horin, 1996; Lee, 2004; Kao & Tang, 1995; Grayson, 1991; Melnick, Jackson & Heights, 1998) و حتی در جوامع توسعه یافته نیز دیده می‌شود (Katrak, 2002; Milem, 1998; Roberts, 2000).

برخی مطالعات (Katrak, 2002; Milem, 1998; Roberts, 2000) نشان می‌دهد اختلالات در گروه‌های مرجع در جوامعی از قبیل جامعه ما می‌تواند ناشی از تغییرات ناگهانی ساختاری (Merton, 1968)، تماس گسترده با جهان خارج به دلیل رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبه توسعه و یا توسعه شبه غربی و مواردی از این قبیل باشد. دامنه رشد چشمگیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) از کشورهای پیشرفته، به سایر کشورهای جهان کشیده شده است. اگر چه این فرامردن‌گراها<sup>(۱)</sup> هستند که معتقد به تغییرات ماهوی در جوامع جهان تحت تأثیر گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات هستند، لکن سایر جامعه‌شناسان نیز به این امر که تحولات عمده‌ای در جهان رخ داده است، اذعان دارند. بسیاری از آن‌ها معتقدند جوامع کنونی به نحو فزاینده‌ای جهانی شده‌اند. فرایندهای جهانی، به حوزه‌های گوناگونی نظیر اقتصاد و فرهنگ نیز تسری یافته است (Waters, 2001).

در تبیین متغیر وابسته پژوهش، یعنی گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی متغیرهای پیش

گفته، مورد استفاده قرار گرفتند. اولین متغیر تبیین‌کننده تصور باز بودن ساختاری است که با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی، رابطه معکوس دارد. در واقع، هر قدر تصور از ساختارهای اجتماعی، بسته تر و امکان دستیابی به موقعیت، درآمد و تحصیلات بیشتر، محدود تر باشد، امکان گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی نیز بیشتر است. این امر به خصوص در شرایطی رخ می‌دهد که افراد، امکان مقایسه بیشتری با جوامع دیگر یا محیط‌های دیگری که تصور بازی از آن‌ها دارند، داشته باشند. در واقع، امکان مقایسه برای کاربران اینترنت، به دلیل تماس با محیط‌های دیگر، بیشتر از غیرکاربران است. به هر صورت، صرف کاربری اینترنت، موجب گرایش بیشتر به گروه‌های مرجع غیر بومی نمی‌شود؛ بلکه این حالت زمانی رخ می‌دهد که کاربری اینترنت، به تصور بسته از جامعه بومی بیانجامد.

در محیط واقعی، میزان کاربری اینترنت، با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی، رابطه همبستگی مستقیم دارد؛ لکن چنین رابطه‌ای در محیط مجازی مشاهده نشد. می‌توان گفت این امر تا حدودی ناشی از واریانس بیشتر کاربری اینترنت در بین دانشجویان است. اگر چه در محیط مجازی نیز میانگین گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در آن‌هایی که کاربری کمتری دارند، بیشتر از آن‌هایی است که کاربری بیشتری دارند، لکن کاربری‌های خیلی کم در محیط مجازی، کمتر مشاهده می‌شود، در حالی که در گروه دانشجویان هستند کسانی که از حداقل کاربری برخوردارند و فقط به داشتن یک ایمیل که البته معلوم نیست همچنان فعال باشد، بسنده کرده‌اند. به هر صورت می‌توان گفت که تغییرات کاربری اینترنت قادر است تغییرات گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی را پیش‌بینی نماید.

در واقع، در محیط واقعی، تمایل به کاربری اینترنت، بیشتر تلاشی است برای باز کردن پنجره به آن سوی مرزها، در حالی که بسیاری از کاربران حرفه‌ای اینترنت، به دلایل شغلی با اینترنت کار می‌کنند و در نتیجه، کاربری آن‌ها نه تنها رابطه مستقیمی با گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در آن‌ها ندارد، بلکه حتی ممکن است به دلیل وجود اشتغال و رضایت شغلی بیشتر و اطمینان از آینده خود، گرایش کمتری به گروه‌های مرجع غیر بومی از خود نشان دهند. تفاوت رابطه کاربری اینترنت با تصور باز بودن ساختاری در دو محیط واقعی و مجازی، هم به دلیل واریانس کمتر کاربری اینترنت در نمونه مربوط به محیط مجازی است و هم ناشی از گمنامی بیشتر در آن محیط. در واقع، پاسخگویی در محیط مجازی، به دلیل گمنامی، از

شفافیت بیشتری برخوردار است. در عین حال، نوع پاسخگویی در چنین محیطی، یعنی در مقابل صفحه نمایشگر رایانه، با نوع پاسخگویی در محیط دانشکده می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. این امر به نوبه خود ناشی از مناسبات شکل دهنده هویت است. در واقع، در محیط مجازی، تلاش فرد برای ساختن هویت و انتخاب آزادانه گروه مرجع، به دلیل سست شدن کنترل اجتماعی موفق تر از چانه زنی‌های هویتی در محیط واقعی است. اگر چه به قول جی (Gee, 2003) هویت‌های برآیندی ما که محصول ترکیبی از هویت‌های مجازی - واقعی هستند، بازتابی از هر دو تلقی می‌شوند.

در محیط واقعی، میزان کاربری اینترنت، با گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، رابطه مستقیم دارد. لکن در جامعه آماری محیط مجازی، میزان کاربری اینترنت در آن‌هایی که گرایش بیشتری به گروه‌های مرجع غیربومی دارند، کمتر است. در جامعه آماری محیط مجازی، گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی در آن‌هایی که میزان کاربری اینترنت بیشتری دارند، کمتر از آن‌هایی است که میزان کاربری کمتری دارند. این تفاوت بیشتر، نشان دهنده آن است که کاربری اینترنت برای دانشجویانی که به صورت حرفه‌ای کار نمی‌کنند، بیشتر به منظور جستجوی دنیایی دیگر و در امتداد گرایش‌های گروه مرجعی غیر بومی انجام می‌شود.

در محیط واقعی، نسبت کاربری اینترنت فارسی، با گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، رابطه معکوس دارد. این در حالی است که در محیط مجازی، گرایش به گروه‌های مرجع غیربومی، با نسبت کاربری اینترنت فارسی، همبستگی ضعیف مستقیم دارد. این تفاوت بین دانشجویان و اعضای محیط مجازی، تفاوت ماهوی کاربری را در آن‌ها نشان می‌دهد.

در واقع این گونه به نظر می‌رسد که می‌توان کاربری اینترنت را در چند سطح طبقه بندی نمود. اگر محیط مجازی را همان گونه که مانویل کاستلز (Castells, 1996) از آن یاد کرده است، جامعه اطلاعاتی<sup>(۱)</sup> بنامیم و یا به پیشنهاد خودم آن را شهر مجازی<sup>(۲)</sup> بنامیم که تفاوت بسیاری با دهکده جهانی<sup>(۳)</sup> مک لوهان دارد، تماس با این شهر مجازی، سطوح گوناگونی دارد. اولین تماس با این شهر، داشتن یک سفر توریستی به شهر است. در این سفر توریستی، مسافر

با مکان‌های دیدنی این شهر آشنا می‌شود. این مکان‌ها ممکن است تفاوت بسیاری با نقاط عادی شهر داشته باشند. دومین سطح تماس، اقامت مصرف‌کننده در شهر است. در این سطح از تماس، فرد با تسلط بیشتری نسبت به کلیه نقاط این شهر، از تولیدات اطلاعاتی شهر مصرف می‌کند. سطح سوم تماس هنگامی است که فرد به تولید اطلاعات و ساختار در شهر می‌پردازد. در این سطح، فرد علاوه بر مصرف، تولید هم می‌کند. می‌توان سطوح دور از دسترس دیگری نظیر سطح شهرسازی و انواع برخوردهای فعال با جریان شهرسازی الکترونیک را نیز مطرح کرد.

با چنین سطح بندی از کاربری اینترنت، این گونه به نظر می‌رسد که سطح کاربری دانشجویان، عمدتاً از نوع اولی، یعنی سفر توریستی است؛ حال آن که در میان اعضای محیط مجازی، هستند کسانی که در سطح دوم، یعنی اقامت مصرف‌کننده و بعضاً اقامت تولیدکننده، مشاهده می‌شوند. در چنین سطحی است که کاربری اینترنت فارسی، رابطه متفاوتی را ایجاد می‌کند. در این سطوح، افراد به دلیل برخورداری از تسلط نسبت به انواع گروه‌ها و سایت‌های فارسی زبان، متناسب با ذائقه برون مدارانه خود نسبت به کاربری در این محیطها مبادرت می‌ورزند. در عین حال، گرایش‌های علمی دانشجویان موجب می‌شود تا کمتر از سایت‌های کم مایه فارسی زبان برخوردار باشند.

در کل می‌توان مشاهده نمود که گرایش‌های به گروه‌های مرجع غیربومی، آن گونه که در افکار عموم وجود دارد، تفاوت چندانی با بزرگسالان ندارد. همان گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، اگر چه تفاوت‌های بسیاری در ظاهر رفتار فرزندان از والدین مشاهده می‌شود، لکن به این موضوع باید از جوانب مختلفی نگریست. نخست، این تفاوت‌ها عمدتاً در ظاهر است و آن هم ناشی از گرایش به همنوایی با دیگری. گرایش به هم‌رنگی، موجب تفاوت ظاهری فرزندان از والدین می‌شود. دوم، تمایز پذیری نوجوانان و جوانان، حداقل در دوره سنی خاصی، موجب این تفاوت، هم در رفتار می‌شود و هم در معیارهای گزینش گروه مرجع.

در بررسی عوامل مؤثر بر گزینش گروه مرجع، هرگز نباید این جمله مید فراموش شود که پیش از هر چیز، فرد تحت تأثیر خانواده و گروه‌هایی که در آن پرورش یافته است، رفتار می‌کند (Mead, 1934). در واقع، اگر چه فرد ممکن است از بین گروه‌های غیر عضویتی، گروه مرجع خویش را برگزیند؛ لکن ساز و کار این گزینش، در خانواده و گروه‌های همالانی نهفته است که در

آن‌ها اجتماعی شده است. به عبارت دیگر، ارزش‌ها و معیارهایی که فرد در خانواده آموخته است، او را در انتخاب مسیر زندگی، هدایت می‌کند. بسیاری از جوانانی که برای زندگی به کشورهای غربی مهاجرت کرده‌اند، در دامن خانواده‌ها و گروه‌های همالانی پرورش یافته‌اند که تمایل به این سبک زندگی را در آن‌ها پرورانده‌اند. یافته‌های پژوهش ملی باورهای و نگرش‌های ایرانیان که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده، نشان می‌دهد که تفاوت عمده‌ای میان ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان و خانواده‌های آنان وجود ندارد. ضمن این که احتمالاً بخشی از تفاوت‌ها نیز رد پایی در ارزش‌های تبلیغ شده توسط خانواده‌ها دارد و بخشی نیز تحت تأثیر گروه‌های همالانی قرار دارد که عمدتاً برای خانواده‌ها قابل تحمل بوده‌اند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲). بحث‌های فراوانی در مورد شکاف نسلی شده است؛ لکن نتایج تحقیقات نشان می‌دهد اگر چه میان نسل‌های مورد مطالعه، تفاوت هنجاری وجود دارد، ولی میزان این تفاوت‌ها طبیعی و ناشی از تمایز طبیعی عادی نسل جدید است؛ به طوری که نمی‌توان آن را تحت عنوان شکاف نسلی مطرح نمود (پناهی، ۱۳۸۳). در واقع، تصور باز و بسته بودن ساختاری، کاربری اینترنت فارسی و غیر فارسی و بسیاری از تمایلات و سلیقه‌های اینترنتی، ناشی از هویتی است که عمدتاً در خانواده و مدرسه شکل گرفته است و این امر موجب می‌شود تا پژوهش‌های بعدی، ساز و کارهای خانواده و مدرسه را در شکل‌گیری گرایش‌های گروه مرجعی افراد جامعه، مورد بررسی قرار دهند.

## منابع

- امین صارمی، نوذر. (۱۳۷۷). بررسی وضع آثار و محصولات فرهنگی مبتذل در شهر تهران، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۷، هشتم تیر ماه، ص ۷.
- انتظاری، اردشیر (علی). (۱۳۸۶). عوامل گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی: مطالعه‌ای در مورد کاربران ایرانی اینترنت، رساله دکتری، به راهنمایی محمد حسین پناهی، دانشگاه علامه طباطبایی
- انتظاری، علی؛ سعید معیدفر؛ احمد رجب زاده؛ سید ضیاء هاشمی. (۱۳۸۴). ساماندهی گروه‌های مرجع جوانان، طرح نظری به سفارش دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، انتشار محدود.

- پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۳). شکاف نسلی در ایران و اثر تحصیلات بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۳، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- دفتر طرح‌های ملی. (۱۳۸۲). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
- سرایی، حسن. (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- گیلک، عبدالامیر. (۱۳۷۶). پایگاه ارزشی نوجوانان دختر و پسر، ماهنامه تربیت، سال ۱۳، شماره ۵، بهمن ۱۳۷۶، صص: ۱۶-۲۲
- منطقی، مرتضی. (۱۳۷۲). راز گل سرخ در حجتی مقدم، مهدی (۱۳۸۲)، پژوهشی در باره سامان‌دهی گروه‌های مرجع، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (گزارش منتشر نشده).
- منطقی، مرتضی. (۱۳۷۷). تاملی در شکل‌گیری نظام ارزشی نوجوانان و جوانان انقلاب اسلامی ایران (راز گل سرخ)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهش‌های بنیادی
- مهر علی، حمیدرضا. (۱۳۷۶). علل گرایش برخی از نوجوانان به گروه‌های نابهنجار موسیقی (رپ، هوی متال و ...) در حجتی مقدم، مهدی (۱۳۸۲)، پژوهشی در باره سامان‌دهی گروه‌های مرجع، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (گزارش منتشر نشده).
- نیکزاد، احمد. (۱۳۷۹). شناسایی مرجع جوانان در انتخاب پوشش و آرایش غیر متعارف در حجتی مقدم، مهدی. (۱۳۸۲). پژوهشی در باره سامان‌دهی گروه‌های مرجع، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (گزارش منتشر نشده).
- یادگار زاده، غلامرضا. (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر بر نحوه الگو‌گزینی اجتماعی فرهنگی جوانان در شهر همدان در حجتی مقدم، مهدی (۱۳۸۲)، پژوهشی در باره سامان‌دهی گروه‌های مرجع، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (گزارش منتشر نشده).
- Abu-Saad, Ismael (1999), Self-esteem among Arab adolescents in Israel, The Journal of Social Psychology, Washington; Aug 1999.
- Alexander, Claire (1998), Re-imagining the Muslim community



Innovation, Abingdon.

- Castells, M. (1996), *The Information Age: Economy, Society and Culture*. Volume 1: *The Rise of Network Society*, Oxford: Basil Blackwell

- Cooley, Charles Horton (1902), *Human nature and the social order*. Charles Scribner s Sons; reprint, New York, New York: Schocken Books, 1964. (page citations are to the reprint edition)

- Entezari Ardeshir (2005), *Youth Reference Groups: Theoretical and Methodological Implications*. Presented at IRFD prior to World Summit on Information Society, Tunisia, Tunis, 2005 ([http://www.irfd.org/events/wf2005/abstracts\\_t13.htm](http://www.irfd.org/events/wf2005/abstracts_t13.htm))

- Gee, James Pal (2003), *What Video Games Have to Teach Us About Learning and Literacy*. New York: Palgrave

- Grayson, James H. (ed.), (1991), *Introduction of Buddhism to Korea: New Cultural Patterns*, *The journal of Asian Studies*, Aug 1991; 50, 3; ProQuest Academic-Core, pg. 708

Internet World Stats,

- HYPERLINK "<http://www.internetworldstats.com/stats5.htm>"

- HYPERLINK "<http://www.internetworldstats.com/stats5.htm>"

<http://www.internetworldstats.com/stats5.htm>

<http://www.internetworldstats.com/stats5.htm>

- Iranian Internet Users Reference Group: *Theoretical and Methodological Implications*, presented at IRFD prior to World Summit on Information Society, Tunisa, Tunis, 2005

- Kao, Sefong & Shengming Tang (1995), *Residence Place and Self-Esteem of Taiwan Aborigines*, Western Illinois University Press, USA, *International Review of Modern Sociology*, Volume 25, Number 1, Spring

1995:

- Iranian Internet Users Reference Group: Theoretical and Methodological Implications, presented at IRFD prior to World Summit on Information Society, Tunisa, Tunis, 2005

- Kao, Sefong & Shengming Tang (1995), Residence Place and Self-Esteem of Taiwan Aborigines, Western Illinois University Press, USA, International Review of Modern Sociology, Volume 25, Number 1, Spring 1995:

- HYPERLINK "<http://www.yorku.ca/irjs/Archives/irms25-1.htm>"

HYPERLINK "<http://www.yorku.ca/irjs/Archives/irms25-1.htm>"

<http://www.yorku.ca/irjs/Archives/irms25-1.htm>

<http://www.yorku.ca/irjs/Archives/irms25-1.htm>

- Katrak, Ketu, H. (2002), Changing traditions: South Asian Americans and cultural/communal politics, The Massachusetts Review, Amherst; Spring 2002.

- Kitching, G. N. (2001), Seeking Social Justice Through Globalization: Escaping a Nationalist Perspective, Penn State Press

- Lee, Hee-Eun (2004), "Home is Where You Serve: Globalization and Nationalism in Korean Popular Music", Paper presented at the annual meeting of the The International Communication Association Marriott Hotel, San Diego, CA

- Lipset, Seymour Martin (1985), Martin, Consensus and Conflict: Essays in Political Sociology, Transaction Publishers

- McLuhan, M. (1964), Understanding Media, Mentor, New York

- Mead, George Herbert (1934), Mind, self & society from the standpoint of a social behaviorist, The University of Chicago press, Chicago



- Melnick, Merrill J., Steven J Jackson & Roslyn Heights (1998), The villain as reference idol: Selection frequencies and salient attributes among New Zealand teenagers, *Adolescenc*, Fall 1998
- Merton, Robert K., (1968), *Social Theory and Social Structure*, The Free Press, New York.
- Milem, Jeffrey F. (1998), Attitude change in college students: Examining the effect of college peer groups and faculty normative groups, *The Journal of Higher Education*; Columbus; Mar/Apr 1998.
- Nirmala, Rao & Mantak Yuen (2001), Accommodations for assimilation: Supporting newly arrived children from the Chinese mainland to Hong Kong, *Childhood Education*, Washington.
- Raviv, Amiram, Daneil Bar-Tal, Alona Raviv, Asaf Ben-Horin (1996), Adolescent idolization of pop singers: Causes, expressions, and reliance, *Journal of Youth and Adolescence*, New York; Oct 1996.
- Roberts, Jeffrey M. (2000), *American Culture in Europe: Interdisciplinary Perspectives*, *Contemporary Sociology*; Washington; Nov 2000.
- Rosenthal-Sokolov, Marianna & Yohanan Eshel (2000), Acculturation attitudes and sociocultural adjustment of Sojourner youth in Israel, *The Journal of Social Psychology*, Washington; Dec 2000.
- Rossi, Ino (1989), *Sociology in Disaster Research and Sociological Theory*, in: Kreps, Gary A. (1989), *Social Structure and Disaster*, University of Delaware Press, London and Toronto.
- Seltzer, Dianne A. (1989), *Assessment and early childhood education microform*, Research & Training Associates, Inc. U.S. Dept. of Education, Office of Educational Research and Improvement, Educational Resources

Information Center

- Waters, M. (2001), *Globalization*, London: Routledge.
- Stouffer, Samuel A., et al. (1949) *The American soldier: Adjustment during army life*, vol. 1; *Combat and Its Aftermath*, vol. 2. Princeton: Princeton University Press.
- Waters, M. (2001), *Globalization*, London: Routledge.
- Zurn, Michael & Gregor Walter (2005), *Globalizing Interests*, SUNY Press.